

نویسنده : ابابومی ازیکوی (Abavomi Azikiwe).

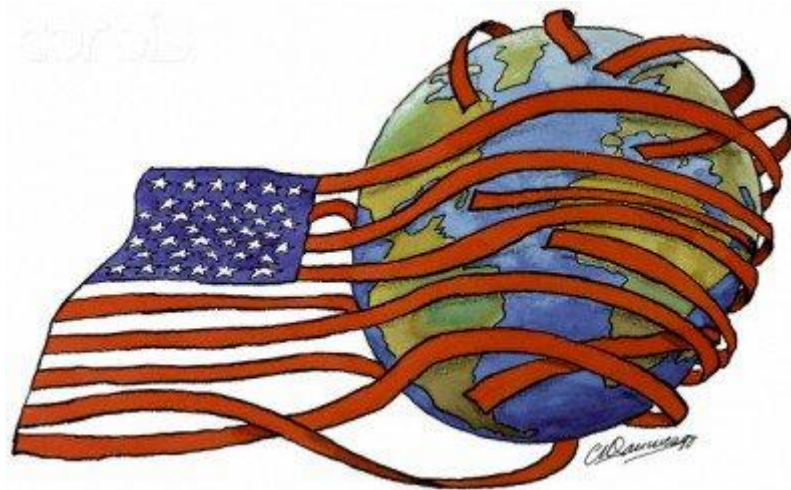
منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ « 2017-10-04 » .

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

امپریالیزم ایالات متحده امریکا جنگ را در افغانستان

ادامه میدهد و افریقا را بی ثبات می سازد

United State Imperialism continues war in Afghanistan
and destabilization of Africa



از کشورهای آسیای مرکزی تا به چاد ، توگو و لیبی دولت های غربی
میخواهند که تسلط خود را بر ملت های ستمدیده حفظ کنند

From central Asia to Chad, Togo , and Libya western states seek
to maintain dominance of Africa

دولت ایالات متحده امریکا تنها در یک هفته بعد سالگرد (16) سالگی تجاوز و بمب
گذاری و اشغال افغانستان را جشن میگیرد.

دخالت ایالات متحده امریکا محضاً در سال «2001» به دلیل حملات یازدهم سپتمبر
که در آن هواپیماهای ربوده شده به مرکز تجاری جهانی در شهر نیویارک و پنتاگون
مستقر در خارج از واشنگتن دی سی ضربه زد صورت نگرفته ، بلکه دخالت ایالات
متحده امریکا در بی ثباتی افغانستان به اواخر دهه «1970» باز میگردد ؛ زمانیکه
حزب دموکراتیک خلق افغانستان (PDPA) یک دولت سوسیالیستی را رهبری میکرد .
و برنامه های انکشاف و پیشرفت را بمنظور بهبود وضع زندگی کارگران و دهقانان روی
دست گرفته بود و بکار می انداخت و نیز میخواست که حقوق بنیادی مدنی را برای

زنان فراهم سازد در طول این دوره از تسلط حزب بر دولت - افغانستان با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای پیشرفته و غیر سرمایه داری بخاطر تحقق برنامه های طرح شده خود هماهنگ شده بود، برنامه های مدرن سازی با هدف ارتقای سطح زندگی مردم و میزان آموزشی توده های از مردم در حال اجرا و انجام بود.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سال (1965) از چندین جناح ها و حلقه ها با اندیشه های سوسیالیستی تشکیل شد و بعد ها در سال (1973) این حزب در سرنگونی سلطنت و ایجاد جمهوری افغانستان نقش تعیین کننده ای را بازی کرد.

علیرغم موجودیت یک سلسله اختلافات و تنازعات و عوامل مختلفی که در داخل حزب دموکراتیک خلق افغانستان وجود داشت وضع چنان شد که منجر به بالا کشیده شدن و تعیین **ببرک «کارمل»** بعنوان رئیس جمهور دولت افغانستان در سال «1979» شد ، این حرکت توسط رهبری اتحاد جماهیر شوروی پشتیبانی شد که با در نظر داشت همین اصل اتحاد جماهیر شوروی نیرو های نظامی خود را به افغانستان فرستاد تا ثبات دولت جدید را تضمین کند.

ایالات متحده امریکا از طریق آژانس اطلاعاتی مرکزی (CIA) و با حمایت از شورشیان مسلح پنتاگون با هدف خاص بخاطر سقوط این دولت جوان مترقی و انقلابی با استفاده از نارضایتی در میان فیودالان ، سلطنت طلبان و دیگر عناصر ضد انقلاب در کشور و در سال های بعد با ایجاد سازمان القاعده و بسیج کردن هزاران هزاران جنگجویان حرفوی چه در داخل و چه در خارج از افغانستان دست به تفتین و تحریکات زد تا که این دولت را معروض به انقراض سازد.

این جنگ بخاطر بی ثبات سازی افغانستان در بالاترین سطوح از دولت ایالات متحده امریکا تحت مدیریت هر دو روسای جمهور امریکا اعم از **جیمی کارتر** و **رونالد ریگان** هماهنگ شد ؛ شورشیان «اشرار» و حلقه ها ضد کمونیستی توسط ایالات متحده امریکا بعنوان جنگجویان آزادیخواه به پیش کشیده شدند و بدنبال احیای سنت های تاریخی مردم افغانستان به حیث افزایش بکار شد و امریکایی ها نسبت به حضور سربازان اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان توانستند که مخالفین دولت افغانستان را بیشتر تحریک کنند و به تبلیغات زهرآگین خود پرداختند که شوروی ها از طریق اندیشه های کمونیستی خود میخواهد بر دولت ها غلبه کند و آن دولت ها را تحت سلطه خود بیاورد .

جنگ در افغانستان از دهه (1980) تا اوایل (1990) ادامه یافت ، زمانی که شوروی ها حمایت خود را از دولت نجیب الله برداشتند ؛ بعداً مجاهدین در سال (1992) پایتخت افغانستان «کابل» را به تصرف خود درآوردند و سپس در سالهای متعاقب طالبان عاجلاً رژیم دیگری را در کابل ایجاد کردند.

از اواسط تا اواخر دهه (1990) سازمان القاعده بیشتر بعنوان یک گروه مخالف

در ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شد و نهاد ها و یا شرکت های رسانوی و ارتباط جمعی آمریکا سازمان القاعده را برای آمریکا بمثابه یک تهدید بزرگ اشاعه و معرفی میکرد ؛ بمب گذاری در سا ختما نهایی سفارت ایالات متحده آمریکا در نا یروبی «کینیا» و در دار السلام «تا نزانیا» در ماه اگست سال (1998) یکی از نمونه ای همچو تهدیدات بود تا آنکه دولت بیل کلینتون افغانستان و جمهوری سودان را بعنوان اینکه این هرد کشور میزبان و محل بودوباش اسامه بن لادن میباشند تحت بمبارد قرار داد.

در سال (2001) حسب فرمان و هدایت پنتاگون متحد نزدیک آمریکا یعنی پیمان «ناتو» اقدام به ریزش و پرتاب بمب و عملیات زمینی در افغانستان و همسایه آن پاکستان نمود. و از سوی دیگر کم و بیش یک سال قبل امار رسمی به ارتباط تلفات و ضایعات نیروهای نظامی آمریکا در جنگ افغانستان که از طرف مقامات رسمی آمریکا گزارش داده شد تعداد سربازان کشته شده در این جنگ (2386) سرباز و بیش از (20) هزار نفر زخمی و مجروح و نیز تعداد (1173) نفر جنگجویان از پیمانکاران غیر نظامی ایالات متحده آمریکا در میدان های جنگ افغانستان کشته و یا زخمی شده اند.

سربازان کشورهای دیگر در تحت رهبری «ناتو» در جنگ افغانستان در حدود (1000) نفر کشته نیز گزارش داده شده است و در گزارش آمده است که علاوه از مرگ و میر سربازان معضله دیگری که دامنگیر سربازان شده همانا آسیب های شدید صعب العلاج اعم از جروحات و ضربات مغزی ، اختلالات روانی و اضطراب و میباشند که زندگی آنها را تهدید مینماید اما تعداد تلفات شامل کشته شده ها و زخمی شده های افراد افغانی و پاکستانی ناشی از این جنگ مشخص نشده است.



آنچه که من در این مورد می‌اندیشم ؛ واشنگتن پست یک راپور محافظه کارانه را در سال (2015) به شرح ذیل گزارش داده است :

« بر اساس برآوردهای پیش بینی شده در یک گزارش جدید با صرف هزینه ای مالی پروژه جنگ در موسسه واتسون پوهنتون براون (Brown university)، این جنگ

بطور مستقیم باعث مرگ (149000) نفر در افغانستان و پاکستان طی سالهای (2001) تا (2014) شده است که این رقم شامل اعضا و منسوبین ارتش ایالات متحده آمریکا، اعضای جنگجویان پیمانکاران و جنگجویان مخالف دولت افغانستان و همچنین به تعداد (26270) نفر غیر نظامی ها در افغانستان و (21500) نفر غیر نظامی ها در پاکستان گزارش داده شده است «مورخ سوم ماه جون».



توسط همین نویسنده در یک مقاله منتشر شده دیگر به نقل قول از استاد پوهنتون **نیتا کراو فورد (Neta Crawford)** به ارتباط ضایعات و تلفات قوای بشری چنین گزارش شده است:

« در حالیکه ایالات متحده آمریکا بطور رسمی عملیاتهای جنگی و زمینی خود را در سال (2014) در افغانستان قطع و به پایان رسانید و نیروی ها با قیمانده از ارتش آمریکا در افغانستان مامور آموزش و تریننگ نیروهای مسلح اردوی ملی شدند و نیز در بعضی مواقع ضروری نظریه خواست اردوی ملی در جنگ ها علیه مخالفین دولت افغانستان نیز سهم می گرفتند با آنهم از شدت جنگ در افغانستان کاسته نشد بلکه در عوض و در قدم نخست باعث تلفات زیاد سربازان اردو و پولیس ملی و مردم غیر نظامی شد. ارقام موجود در این گزارش حاکی از آنست که میزان تلفات غیر نظامیان در افغانستان طی چند سال گذشته علیرغم تشدید جنگ علیه شورشیان و بمب گذاری های هواپیماهای بدون سرنشین و عملیات های زمینی که در تحت اداره **جورج دبلیو بوش**، **اوباما** و اکنون در تحت زعامت **دونالد ترامپ** صورت گرفته و صورت میگیرد افزایش قابل ملاحظه یافته است.

یک مقاله دیگری منتشره مورخ (11) ماه جون سال (2017) در نیویارک تایمز نشان میدهد که مجموع مرگ و میر های گزارش داده شده نظامیان امریکایی در افغانستان توسط افراد مربوط به دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه که در افغانستان شاخه این دولت بنام دولت اسلامی خراسان یاد میشود صورت گرفته است و در همین گزارش نیز تذکر داده شده است که افراد جنگی این دولت اسلامی ترکیبی از افراد سازمان القاعده

وطالبان و شبکه حقانی می باشد که مخفیگاه های آنها در پاکستان است .
با ملاحظه گذارش فوق همه ما مطلع هستیم که **دونالد ترومپ** در این آواخر به تعداد (4000) از سربازان اضافی پنتاگون را به افغانستان اعزام نمود و او یعنی **دونالد ترومپ** هفته گذشته در سخنرانی تاریخی خود واقع در مجمع سازمان ملل متحد در نیویارک با در نظر داشت مسولیت های واشنگتن در قبال حوزه جنوب شرق آسیا بر پاکستان انگشت انتقاد گذاشت که از افراطیان حمایت میکند و آنها را در خاک خود سرپناه داده است که صحبت او توسط مقامات مسول پاکستان رد شد .
سرانجام میتوان گفت که جنگ در افغانستان و در پاکستان توسط ایالات متحده امریکا تا آنوقت ادامه خواهد یافت که امریکایی ها یا بکلی در این جنگ شکست خورند و یا مردمان آن سرزمین ها؛ امریکایی ها را با یک خیزش ملی از اوطان و سرزمین های شان مجبور به اخراج نمایند و در غیر آن صورت جنگ ادامه می یابد .
جنگ ویتنام که موضوع مستند بحث برانگیز بواسطه کین بورنس (Ken Burns)

است. **کن برنز**

از ویکی پدیا، دانشنامه آزاد
پرش به: **ناوبری**، **جستجو**

کن برنز (۱۹۵۳-) کارگردان و تهیه کننده و **مستندساز** آمریکایی است. او نخستین بار با فیلم مستند خود **جنگ داخلی** (۱۹۹۰) مشهور شد. فیلم های بعدی او مانند **بیسال** (۱۹۹۴) و **جاز** (۲۰۰۱) نیز همه موفق بودند. از ویژگی های سبک او به کاربردن فیلم ها و عکس های قدیمی و آرشیوی است. روش حرکت دوربین بر عکس ها که او در فیلم هایش به کار می برد به «جلوه کن برنز» معروف شده است.

او در ۲۰۱۲ فیلم **پنج نفر پارک مرکزی** را همراه دخترش **سارا برنز** و **دیوید مک ماهون** کارگردانی کرد

که در حال حاضر بروی (PBS) نشان داده میشود ، چنین استنتاج میشود که شکست و پایان اشغال امریکا در ویتنام از باعث ترکیب از نیروهای مقاومت ارتش جمهوری دموکراتیک در شمال و جبهه آزادی بخش ملی در جنوب اشغالی صورت گرفت .
انعکاسات عملکرد نظامیگری امپریالیست ها باعث بوجود آمدن بحران در افریقا و بویژه در **چاد توگو و لیبیا** شد .

در پایان من میخواهم در مورد برخی از جوانب و جنبه های سیاسی و امنیتی در قاره افریقا نظریات خود را با شما شریک سازم با وجودیکه ممکن بطور معمول این اظهار نظر من توسط جنبش ضد جنگ و صلح در ایالات متحده امریکا مورد توجه قرار نخواهد گرفت . امپریالیست ها تلاش های خود را برای متوقف کردن توسعه و انکشاف در افریقا و کنترل کامل بر کشورهای عضو اتحادیه افریقا را ادامه میدهند .

از سوی دیگر **دونالد ترومپ** ورود اتباع کشور **چاد** (واقع در غرب افریقای مرکزی) سابق مستعمره فرانسه را به امریکا منع اعلام کرد ، تا جایکه این موضوع موجب تعجب حاکمان واشنگتن و پاریس در صفوف مامورین حکومت های متوالی **چادایی ها** گردید.

یک مقاله ای که توسط افریقای جنوبی منتشر شد حاکی از آن است که :
«که دخیل کردن چاد و شکست **نجا مینا** » = Ndjamenan پایتخت کشور چاد» بغرض به اشتراک گذاشتن اطلاعات مرتبط با تروریزم و سایر اطلاعات مهم دیگر مورد نیاز به ایالات متحده امریکا متکی است».

ترومپ در ششم ماه مارچ برای مدت (90) روز ورود مسافران شش کشور مسلمان اعم از اتباع ایران ، لیبی ، سومالی ، سودان ، سوریه و یمن را منع قرارداد. و در ضمن بیش از (120) روز موضوع درخواست پناهندگی مهاجران به امریکا را مسدود اعلام کرد «مورخ 25 ماه سپتمبر».

اما تنها عراق را ازین لست خارج ساخت و در عوض توجه خود را به مسافران از شهر کلدانی «واقع در عراق» و دیگر شهروندان از کشورهای دیگر به ایالات متحده امریکا معطوف ساخت او یعنی **دونالد ترومپ** همچنان در لست اخیری حکم صادر شده خود ورود اتباع کشورهای جمهوری دموکراتیک کره (DPRK) و جمهوری بولیوایی و نزویلا را به امریکا نیز منع قرارداد اضافه کرد.



رئیس جمهور چاد «ادریس دیبی» منبع دیکمید یا .

مجله نیوز ویک در گزارش منتشره مورخ (25) سپتمبر خود چنین نوشت ه است :
(با توجه به تاریخچه مدت طولانی همکاریهای همه جانبه چاد با ایالات متحده امریکا و سایر قدرت های غربی مانند فرانسه به ارتباط مبارزه رویا روی با تروریزم عجیب

و غریب به نظرمی آید که «ادریس دیبی» رئیس جمهور چاد از دسترسی به اطلاعات از همتای «کانتر پارت» خود و درواشنگتن محروم میگردد. قابل یادآوری است که وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا بعد از (11) ماه سپتمبر یک برنامه را تحت نام مبارزه در ضدیت با تروریسم به بهانه ای کمک به چاد، مالی، موریتانیا و نیجر در نظارت بر جنبش مردم و کالا مطرح و تصویب مینماید که این ابتکار عمل در سال (2005) در مبارزه با تروریسم تجارت ماورای صحرا (تجارت ماورای صحرا به تجارت میان دو سوی **صحرای بزرگ آفریقا** یعنی میان کشورهای ساحل **مدیترانه** با **کشورهای جنوب صحرا** گفته می شود) را که تا جایی هم یک ابتکار عمل موفق بود، کشور چاد در این بازار دادوستد به حیث یک عضو باقی میماند. سربازان ایالات متحده امریکا درگیر آموزش به همتایان چادایی خود میشوند، چنانچه که بارک «اوباما» در سال (2014) در حد و (80) نفر از سربازان عملیات سریع ضربتی امریکارا به منطقه برای کمک به جستجوی «300» دانش آموز دختر که توسط تروریست ها و آدم ربایان **بوکو حرام** ربوده شده بودند اعزام مینماید تا جاییکه نیروهای نظارتی ایالات متحده امریکا ذریعه هواپیماهای بدون سرنشین خود بر فضای قلمرو کشور چاد به ماموریت های گشت زنی خود نیز متصل شدند.

دولت افریقای غربی توگو (Togo) در ماه های اخیر به نسبت تظاهرات و اعتصابات مردمی که خواستار استعفای رئیس جمهور **فیور گنا سینگیب** (Faure Gnassingbe) رئیس جمهوری که از مدت طولانی بالای مردم توگو حکومت میکند شوکه و تکان خورد بیادباید داشت که خانواده **گنا سینگیب** این کشور را بعد از کودتای توسط **ایادیم گناسینگیب** به کمک و یاری فرانسه از سال (1967) تاکنون در تحت زعامت و حاکمیت خود دارند و بالای مردم این کشور حکومت میکنند.

بهر صورت این تظاهرات و اعتصابات مردمی توسط دولت توگو در شهر لومه (Lome) مورد حمله و تاخت و تاز قرار گرفت و در ماه گذشته (15) عضو اصلی حزب پان افریقای (Pan African National Party) را دستگیر و سرعت مورد پیگرد قانونی قرار دادند. پارلمان توگو که توسط حزب متحد گناسینگیب تحت سلطه قرار دارد تلاش بخرج داد تا قانونی را برای آزادی نظام سیاسی به تصویب برساند و افزون بر آن یکی از جنبه های این تلاش تحولی است که دولت اسرائیل را مجبور گردانید که برنامه ملاقات نخست وزیر دولت اسرائیل **بنیامین نتانیا هو** را که قرار بود با سران افریقا ملاقت نماید به تعویق اندازد و از سوی هم تعداد از کشورهای عضو (اتحادیه افریقا) اجلاس را در همبستگی با مردم فلسطین و دیگر مردمان منطقه رد کردند. سرانجام دولت افریقای شمالی یعنی لیبی در حال برنامه ریزی برای متحد و یک پارچه ساختن کشورهای ثروتمند نفتی است که قبل از مداخله **پنتاگون** و **نا تو** در سال

(2011) پر رونق ترین کشوری در قاره افریقا بود ولی متأسفانه که در طول شش سال گذشته در لیبی صدها هزار نفر کشته و زخمی شدند.

این کشور در حال حاضر منبع بی ثباتی و قاچاق انسان در سراسر شمال و غرب افریقا و مناطق مدیترانه در جنوب اروپا است چنانچه که در همین هفته های اخیر دهها نفر در تلاش های ناموفقانه خود برای فرار به کشورهای اروپایی جان خود را از دست دادند و بمردند .

لیبی دیگر هرگز روی صلح را نخواهد دید مگر تا آنکه مردم دست بدست هم در پشت برنامه ملی بازسازی باهم متحد نشوند و یا اینکه نیروهای متجاوز پنتاگون و ناتو و همچنین مشاوران غربی را مجبور به ترک از این کشور نکنند. چونکه آنها (امریکا، ناتو و مشاورین غربی) منبع و ترویج کننده نارامی و بحران های دایمی هستند و یگانه راه همانا اتحاد و همبستگی بخاطر فراهم آوری صلح و ثبات و توسعه واقعی در منطقه است که در غیر آن نمیتوان احساس آرامش کرد.

متن بالا در جلسه عمومی با عنوان (توقف جنگ امپریالیست ها در خانه و در خارج از کشور) که توسط شاخه ای ایترویت (Detroit) از حزب کارگران جهان (workers world party) برگزار شده بود اریه شد.

----- **با تقدیم سلامه ها «2017-10-10»**